

پنجشنبه 21 فروردین 1399-15 شعبان 1441-9 آوریل 2020

تأسیس "بنیاد مسکن انقلاب اسلامی" به فرمان "امام خمینی (ره)" (1358ش)



تأسیس، "بنیاد مسکن انقلاب اسلامی" به فرمان "امام خمینی (ره)" (1358ش)، قبل از پیروزی انقلاب، با تبعیض و فراموشی های فراوانی که در جامعه وجود داشت قشر عظیمی از مستضعفان از داشتن خانه محروم بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، در جهت احقاق حقوق محرومان، طی حکمی، اولین نهاد سازندگی برای رفع مشکل مسکن را تأسیس کردند. امام در این فرمان، حساب 100 را در تمامی شعب بانک ملی افتتاح فرمودند و پایه و اساس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی را بنا نهادند. حضرت امام در پیام خود فرمودند: "هیچ کس در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد. بر دولت اسلامی است که برای این مسأله مهم چاره و راهی بیاندیشد و بر همه مردم است که در این مورد همکاری کنند". بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بنا به اقتضای زمان، در اول انقلاب شروع به توزیع زمین در بین محرومان کرد. بعد از شهریور سال 1372 و تشکیل شورای عالی اداری، کار اصلی بنیاد که در آغاز در شهرها تمرکز یافته بود به روستاها منتقل شد و کار بازسازی مناطق آسیب دیده از حوادث به این بنیاد محول گردید.

حکیم، عارف و عالم گانند، "میرزا ابوالحسن، جلوه" (1276 ش)، حاکم میرزا ابوالحسن بن محمد جلوه، عارف، فیلسوف و متکلم شیعی ایرانی معروف به میرزای جلوه در حدود سال 1202 ش (1238 ق) در احمدآباد گجرات هند متولد گردید. در 7 سالگی به اتفاق خانواده به زواره اصفهان، زادگاه اجدادش بازگشت و در 14 سالگی پدرش را از دست داد. چون پدران و نیاکان میرزا ابوالحسن، اهل علم و فضل بودند، او نیز تحت تأثیر فضای موروثی خانواده واقع شد و تصمیم گرفت کسب دانش را تا پای جان دنبال کند. پس در زمره طالبان علم درآمد و با وجود سختی های زندگی، مقدمات دانش های گوناگون دینی آن زمان مانند: زبان و ادبیات عرب، منطق، کلام، تفسیر، حدیث و فلسفه را فرا گرفت و به ویژه در حکمت الهی و طبیعی به مقامی در خور توجه رسید. ایشان در این میان با شاعران بزرگ اصفهان هم دوستی داشت و به محافل ادبی رفت و آمد می کرد، چندان که ذوق شاعری در او پدید آمد و با پژوهش و کار علمی و هنری بسیاری که در این زمینه کرد و تمرین های که بدان دست یازید، سخنوری چیره دست و توانا گردید و "جلوه" تخلص نمود. میرزا ابوالحسن جلوه پس از سالیانی توقف در اصفهان و کسب مدارج والای علمی، در 35 سالگی به تهران عزیمت کرد و در مدرسه دارالشفای تهران اقامت گزید. وی به مدت، چهل سال در این مدرسه به تدریس و تحقیق و تألیف روزگار گذراند و معیشت خود را از املاک اجدادی تأمین می کرد. مجلس درس او میعادگاه دانش پژوهان و بزرگان و دانشمندانی بود که از هر کران برای بهره گیری از دریای دانش او بدانجا میشتافتند. ناصرالدین شاه قاجار چندین بار به دیدار او رفت و در حجره محقر او نشست و درباره مسائل گوناگون علمی و فلسفی به گفتگو با او پرداخت و مشکلات خود را در میان نهاد و پاسخ شایان شنید. پادشاه او را بسی گرمی می داشت اما میرزای جلوه هیچ بهره مادی از نزدیکی به دربار و شاه برنگرفت و خواستار هیچ نعمتی غیر از خدای منعم فیاض نگشت. میرزای جلوه از بزرگترین دانشمندان فلسفه و حکمت به شمار می آمد. وی آثار متعددی همچون حواشی بر اسفار ملاصدرا و شفای ابن سینا دارد و همچنین رساله های در وجود و اقسام آن، ترکیب و احکام آن و نیز بیان استجاب دعا و دیوان اشعار غز و زیبایی از ایشان به جای مانده است. این حکیم بزرگ در طول بیش از ده ها سال تدریس، شخصیت های فرهیخته ای همچون: میرزا طاهر تنکابنی، سیدحسین بادکوبه ای، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا مهدی آشتیانی، شیخ عبدالنبی نوری، میرزا علی اکبر حکیم یزدی، میرزا محمدعلی شاه آبادی، آخوند ملا محمد کاشانی و جهانگیرخان قشقایی و... تربیت نمود. میرزا ابوالحسن جلوه سرانجام در 21 فروردین 1276 ش برابر با 6 ذی القعدة 1314 ق در 74 سالگی بدرد حیات گفت و در جوار مقبره ابن بابویه در شهر ری به خاک سپرده شد.

موضوع گیری "امام خمینی (ره)" در مورد روحانیت و سیاست، از آزادی اندان (1343 ش)، پس از سخنرانی امام خمینی (ره) در سیزدهم خرداد 1342 ش و دستگیری ایشان توسط رژیم طاغوت و وقوع قیام پانزدهم خرداد، رژیم، آن حضرت را نزدیک به ده ماه در حبس نگاه داشت و سپس در خانه ای تحت نظر گرفت. اما عکس العمل شدید مردم در مورد این محاصره، بازهم رژیم را به عقب نشینی وادار کرد تا آن که امام خمینی را در هجدهم فروردین 1343 آزاد کردند. پس از آزادی امام خمینی (ره)، رژیم وانمود کرد که امام با نظام پهلوی به تفاهم رسیده است. روزنامه اطلاعات در این باره نوشت: "چقدر جای خوشوقتی است که جامعه روحانیت نیز اکنون با همه مردم، همگام در اجرای برنامه های انقلاب شاه و مردم شده است". این خبر با واکنش تند آن بزرگوار مواجه شد. از این رو حضرت امام سه روز پس از آزادی، در بیست و یکم فروردین 1343، طی نطقی، طوفانی از خشم و نفرت علیه رژیم ستمشاهی به پا کردند و رژیم را وادار ساختند که دست به عقب نشینی فضاحت باری بزند. ایشان در این نطق فرمودند: "در این روزنامه، تحت عنوان اتحاد مقدس در سرمقاله نوشته بودند که با روحانیت تفاهم

شده و روحانیان با انقلاب سفید شاه و ملت موافق هستند. کدام انقلاب؟ کدام ملت؟ [آیا] این انقلاب مربوط به روحانیت و مردم است؟! آقایان که در دانشگاه هستید، برسانید به همه که روحانیت با این انقلاب موافق نیست. خمینی را اگر دار بزنند تفاهم نخواهد کرد." این سخنرانی باعث شد که رژیم با دست‌رسانی؛ پانچگی نماینده؛ ای به محضر امام بفرستد و رسماً عذرخواهی کند. در گام بعدی، رژیم، امام را از دخالت در سیاست برحذر داشت و سیاست را حيله و دروغ معرفي کرد. ولي امام ضمن رسوا کردن چهره طاغوت، لزوم دخالت روحانیت در سیاست را یادآور شده و سیاست را از دیانت جدا ندانستند.

شهادت امیر سپهبد "علی، صیاد شیرازی" جانشین، ستاد کا. نیروهای مسلح (1378 ش)، امیر سپهبد علی صیاد شیرازی در سال 1323 ش در شهرستان درگز در استان خراسان به دنیا آمد و پس از تحصیلات دبیرستان، وارد دانشگاه افسری شد. وی در سال 1346 موفق به اخذ درجه کارشناسی از دانشگاه افسری گردید و پس از طی دوره تخصصی توپخانه، به عنوان استاد در مرکز آموزش توپخانه اصفهان مشغول به تدریس شد. او از مخالفان رژیم شاه بود تا جایی که توسط عوامل آن رژیم دستگیر و زندانی شد و در آستانه پیروزی انقلاب، در بهمن 57 آزاد گردید. وی از این زمان، خود را در اختیار انقلاب اسلامی قرار داد و در صحنه؛ های سرنوشت؛ ساز پیکار با دشمنان انقلاب، شرکتی فعالانه داشت، شهید صیاد شیرازی در بحبوحه غائله ضدانقلاب در کردستان در سال 1358، به فرماندهی عملیات شمال غرب کشور برگزیده شد و به همراه شهید چمران و دیگر رزمندگان اسلام، نقش مهمی در پاکسازی منطقه از لوث عناصر ضد انقلاب ایفا کرد. این امیر ارتش اسلام، پس از خلع بنی؛ صدر، برای پایان دادن به ناهماهنگی ارتش و سپاه، قرارگاه مشترک عملیاتی سپاه و ارتش را راه؛ اندازی کرد و به عنوان فرمانده ارتش در همانجا مشغول فعالیت گردید. ایشان در 9 مهر 1360 به پیشنهاد شورای عالی دفاع و با حکم حضرت امام خمینی(ره)، به فرماندهی نیروی زمینی ارتش منصوب شد که در سلسله عملیات پیروزمند ثامن؛ الائمه، طریق القدس، فتح المبین، بیت؛ المقدس، رمضان، مسلم بن عقیل، مطلع الفجر، محرم، والفجر 1 2 3، خیر و بدر فرماندهی نیروهای ارتش را بر عهده داشت. شهید صیاد شیرازی نقش حساسی در آزادسازی خرمشهر ایفا نمود و حضور او در هشت سال دفاع مقدس، پیروزی؛ های متعددی را برای کشور اسلامی به همراه داشت. وی در تیرماه 1365 به فرمان امام به عضویت شورای عالی دفاع منصوب شد و در اردیبهشت 1366، به درجه سرتیپی ارتقاء یافت. امیر شجاع اسلام، در سال 1368 به سمت معاونت بازرسی ستاد ارتش، در شهریور 1372 به سمت جانشین رئیس ستاد کل ارتش و در فروردین 1378، از طرف مقام معظم رهبری به درجه سرلشکری نائل آمد که این درجه با افتخار شهادت به سپهبدی ارتقاء یافت. سرانجام امیر سپهبد صیاد شیرازی، جانشین ستاد کل نیروهای مسلح در بامداد بیست و یکم فروردین 1378 به دست عوامل گروهک منافقین در تهران به شهادت رسید و در تشییعی باشکوه، با حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی و انبوه مردم در بهشت؛ زهرا به خاک سپرده شد.

تمدید آتش، بس، میان امپراطوری ایران و روم از طرف کنستانتین، امپاطره، ۹۰۰م
کنستانتین امپراتور روم دهم آوریل سال 336 میلادی به بهانه شرکت در مراسم سی امین سال حکومت خود، آتش بس 2 هفته ای با ارتش ایران را که 22 روز طول کشیده بود به صورت نامحدود تمدید کرد و بعد از ادامه جنگ چشم پوشید. جنگ دو امپراتوری سال بعد از سر گرفته شد، 26 سال متناوبا طول کشید و بدون اخذ نتیجه پایان یافت. آتش بس 19 مارس به مناسبت فرارسیدن نوروز ایرانیان آغاز شده بود. فرماندهی ارتش ایران یک روز مانده به نوروز به احترام ایام عید ملی، 2 هفته آتش بس داده بود و کنستانتین که واحدهایش به دلیل تلفات سنگین نیاز به تجدید سازمان داشتند با این آتش بس موافقت کرده بود که پس از آن، تا کنستانتین زنده بود محاربه تجدید نشد. کنستانتین 22 ماه می 337 در قسطنطنیه درگذشت و جنگ های شاپور دوم، (ذوالاکتاف) با کنستانتین دوم جانشین او از همین سال آغاز شد. دو ابر قدرت وقت تا سال 336 کوشش داشتند که پیمان صلح منعقد در سال 297 (میان نرسی شاه ایران و دیوکلسین (دیوکلتيان) امپراتور روم) رعایت شود و در آن مدت جز 2-3 برخورد محدود از جمله زد و خورد های سال 326 جنگ چشمگیری صورت نگرفته بود.

ولادت با سعادت منجی عالم بشریت حضرت ولی؛ عصر، امام؛ زمان(عج)(255 ق)، معصوم چهاردهم، حجت دوازدهم، ولی الله المنتظر، بقیه الله الاعظم، حضرت امام زمان، مهدی موعود(عج) در نیمه؛ ای شعبان سال 255 هجری قمری در سامرا به دنیا آمد. پدرش امام حسن عسگری(ع) و مادر آن حضرت، نرجس خاتون می؛ باشد. آن امام، هم؛ نام و هم؛ کنیه؛ ای پیامبر اسلام(ص) و دارای القاب قائم، منتظر، حجت، مهدی، خلف صالح، صاحب الزمان، بقیه الله و... می؛ باشد. رهبری پیشوایان الهی به منظور هدایت مردم به سر منزل کمال مطلوب است و این امر در صورتی میسر است که آنها آمادگی بهره؛ برداری از این هدایت الهی را داشته باشند. اگرچنین زمینه؛ ای مساعدی در مردم وجود نداشته باشد، حضور پیشوایان آسمانی در بین مردم ثمری نخواهد داشت. فشارها و تضيیقاتی که از جانب خلفای جور بنی؛ عباس، به ویژه از زمان امام جواد(ع) به بعد، بر امامان معصوم وارد شد و محدودیت؛ های فوق؛ العاده؛ ای که از طرف دستگاه حاکم برقرار گردید، فعالیت؛ های امامان را به حداقل رسانید. وجود این وضعیت خاص در زمان امامت حضرت مهدی(عج) و همچنین احتمال به شهادت رساندن آن حضرت در آن شرایط حساس، نشان داد که زمینه؛ ای مساعدی جهت بهره؛ مندی از هدایت؛ ها و راهبري؛ های امامان در جامعه وجود ندارد. از اینرو حکمت الهی اقتضا کرد که حضرت مهدی(عج) به اذن خداوند متعال غیبت اختیار کند تا موقعی که آمادگی لازم در جامعه به وجود آید. او روزی خواهد آمد و زمین را که از ظلم و جور پر شده است، از عدل و داد پُر خواهد کرد.

و: جهان، مستضعفان یکی از بارزترین خصوصیات حضرت مهدی موعود(عج) این است که حکومت عدل جهانی به رهبری آن حضرت و با حضور و همت و نقش آفرینی «مستضعفان» تشکیل می‌دهد. این خصوصیت، همان است که در کلام و پیام امام خمینی رحمه‌الله، بسیار مورد توجه بود و ایشان به صورت مکرر با تعبیراتی از قبیل مستضعفان، محرومان، پابره‌نه‌ها و گودنشین‌ها از این قشر مهم، ولی فراموش شده، یاد می‌کردند و بر ضرورت خدمت به آنها تاکید می‌نمودند. از همین روست که روز نیمه شعبان «روز جهانی مستضعفان» نام گرفته است.

انقاض سلسله‌های آل بویه توسط "طغرل سلجوقی" مؤسس سلسله‌های سلجوقی (447 ق) بغداد از سالیان قبل توسط امرای آل بویه اداره می‌شد تا این که طغرل سلجوقی، نیشابور، گرگان و طبرستان و... را فتح کرد. طغرل، در سال 447 ق بغداد را از ملک رحیم دیلمی، آخرین حاکم آل بویه گرفت و این سلسله را برانداخت و خاندان سلجوقی را بنیان نهاد.

وفات عالم حلیا، شیخ عبدالله مامقانی (1351 ق)، در رنج اشرف دیده به جهان گشود. در پنج سالگی خواندن و نوشتن عبدالله مامقانی در تاریخ 15 ربیع الاول 1290 هـ. ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود. در پنج سالگی خواندن و نوشتن قرآن را آموخت و پس از اینکه آثار هوش فراوان در وی نمایان شد پدرش تعلیم وی را به عهده گرفت. سپس نزد سایر اساتید علوم اسلامی را آموخت. در ربیع الاول سال 1308 هـ. ق به درس خارج اصول و در محرم سال 1309 هـ. ق به درس فقه پدر حاضر شد و تقریرات آنها را نگاشت و تا زمان فوت پدرش (سال 1323 هـ. ق) این کار ادامه داشت. از سال 1309 هـ. ق به دستور شیخ حسن میرزا تألیف را آغاز کرد و تا پایان عمر بدین کار مشغول بود. دوران سطوح ایشان دو سال و نیم به طول انجامید؛ چون تمامی روزهای سال را به تحصیل اشتغال داشت و تنها روز عاشورا را تعطیل می‌کرد. در سال 1322 به مشهد مقدس سفر کرد و در سال 1338 به حج مشرف شد که مایه عزت شیعه را فراهم کرد. وی در این سفر به اقامه نماز جماعت بر طبق مذهب شیعه در برابر علمای مذاهب عامه پرداخت و هر شب افراد زیادی به او اقتدا می‌کردند.

درگذشت "فرائسیب، بیگ"، فیلسوف شهید انگلیسی (1626 م) فرانسویس بیکن فیلسوف معروف انگلیسی در 22 ژانویه 1561 م در لندن به دنیا آمد و از جوانی به تحصیل علم و دانش پرداخت. پدر فرانسویس از نزدیکان پادشاه انگلیس بود. از این رو وی برای نزدیک شدن به پادشاه کوشش فراوانی کرد و بالاخره به عضویت مجلس ملی انتخاب شد و با اخذ عنوان لرد، به ریاست قضات کشور و ریاست دادگستری انگلستان دست یافت. با این وصف طولی نکشید که پارلمان انگلیس که نظر خوبی نسبت به بیکن نداشت، او را به جرم اختلاس از تمام مزایایی که به دست آورده بود محروم کرد و بیکن پس از محاکمه به حبس ابد محکوم شد. اما پادشاه انگلستان وی را عفو کرد و بیکن از آن پس تا پایان عمر در املاک خود در خارج از لندن، روزگار گذراند. بیکن با وجود از دست دادن مقام، از مطالعه و اشتغال به علم رویگردان نشد و در همین هنگام کتاب‌های معروف خود درباره ارزش و پیشرفت علم و دیگری به نام ارغنون جدید را منتشر نمود که فوق‌العاده مورد توجه قرار گرفت. وی عنوان کرد که هدف اصلی او در زندگی، عبارت از اعمال نفوذ خود به طبیعت است. بیکن می‌گوید: انسان چون دارای سه نیروی حافظه، تخیل و عقل است، باید علوم نیز به سه دسته تقسیم شود. از این رو، بیکن آن‌ها را که مربوط به حافظه بود تاریخ نامید و ادبیات و فلسفه را نیز به ترتیب به تخیل و عقل مربوط می‌دانست. او فلسفه را به سه موضوع خدا، طبیعت و انسان تقسیم کرد و بر این اساس آن‌ها را که مربوط به خدا باشد، علم الهی است و طبیعت، موضوع علم و حکمت است. هم‌زمان، چنین اموری مربوط به روان و تن هستند مثل پزشکی و هنرهای زیبا و ورزش و اخلاق، و برخی مربوط به زندگانی اجتماعی مردم است که آن را باید علم مدنی نامید. بیکن اولین کسی بود که با انتقاد از علم و حکمت قدیم، مبنای آن را درهم ریخته و با بیان نقائص و اشتباهات آن، مردم را به تجربه و اساس علوم تازه تشویق می‌کرد. بزرگ‌ترین خدمت بیکن به فلسفه، تدوین و استقرار و ترویج روش استقرار در علوم تجربی بود که هم اینک نیز کاربرد فراوانی دارد. بیکن در گسترش علوم تجربی در انگلستان و تجدید حیات علم و فلسفه در اروپا نقش بسزایی داشت و با تألیف کتاب احیاء علوم کبیر یا دایرةالمعارف علوم بشری، یکی از پدید آورندگان روش تجربی به شمار می‌رود. بیکن دو سال قبل از مرگش کتاب آتلانتیس نو را نوشت و آن مدینه فاضله‌ای بود که ساکنانش خویشتن را وقف مطالعه طبیعت و خداوند کرده بودند. در این مدینه فاضله که آن را بزرگ‌ترین ارمغان بیکن به فلسفه جهان نامیده‌اند، سیاستمداران وجود ندارد بلکه به جای آنها مردان عمل و کشوردارانشته‌اند. در این آرمانشهر، از راه‌گزینش شرافت‌مندانه بر مبنای لیاقت و صلاحیت می‌توان به مقامی رسید. انسان علیه انسان به ستیزه بر نمی‌خیزد، بلکه همه انسان‌ها دست در دست یکدیگر برای غلبه بر نیروی طبیعت کوشش می‌کنند. در این مملکت، نمونه و کمال مطلوب، کشمکش و جنگ نیست زیرا حرص و طمع وجود ندارد. هیچ کس نمی‌کوشد تا در کسب ثروت از همسایگان خود پیشی جوید. در مدینه فاضله بیکن، مردم تحت رهبری ساکنان فیلسوف و دانشمند، به دین حسن نیت خواهند گروید. آدمیان را حیواناتی نیستند که راست راه می‌روند بلکه خدایانی جاودانی هستند. علاوه بر این اثر، از فرانسویس بیکن آثار دیگری بر جای مانده که پیشرفت دانش، تاریخ بادها و داستان مرگ و زندگی از آن جمله است. فرانسویس بیکن سرانجام در نهم آوریل 1626 م در 65 سالگی بر اثر ابتلا به مرض ذات‌الریه درگذشت.

بابان جنگ‌های داخلی آمریکا معروف به جنگ‌های انفصال (1865 م) مدتی قبل از آغاز ریاست جمهوری ابراهام لینکلن در آمریکا، ایالات این کشور به دو دسته جنوبی (طرفدار برده‌داری) و شمالی (مخالف برده‌داری) تقسیم شده بودند. با پیروزی حزب جمهوری‌خواه آمریکا و

انتخاب لینگتن به ریاست جمهوری این کشور در مارس 1861م، رهبران جنوب که منافع خود را در معرض خطر می‌دیدند خواستار تجزیه ایالاتشان از آمریکا شدند و خود ائتلاف ایالات آمریکا را تشکیل دادند. به همین خاطر جنگ‌های داخلی معروف به جنگ‌های انفصال از دوازدهم آوریل 1861 آغاز شد و چهار سال به طول انجامید. این جنگ سرانجام در 9 آوریل 1865م با کشته شدن بیش از نیم میلیون نفر و وارد آمدن خسارات مالی بسیار، به نفع شمالی‌ها که مخالف برده‌داری بودند پایان یافت. در نتیجه جنگ‌های انفصال، برده‌داری رسماً لغو گردید. با این حال، مدت کوتاهی پس از پایان جنگ، آبراهام لینکلن، رهبر ضدبرده‌داری توسط یکی از مخالفانش ترور شد و به قتل رسید. پاره‌ای از مورخین غربی معتقدند سیاست جمهوریخواهان در امر آزادی بردگان، به خاطر قبح و زشتی اسارت سیاهان نبوده، بلکه اقدامی بوده است برای جلب آراء مثبت سیاهان که رقم قابل ملاحظه‌ای از جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دادند. در آن زمان تصور جمهوریخواهان این بود که در صورت آزادی بردگان، آراء میلیون‌ها سیاه‌پوست، تضمین محکمی برای برقرار ماندن قدرت در دست جمهوریخواهان خواهد بود. طرز تلقی جمهوریخواهان از سیاست آزادسازی سیاهان، همان نتیجه مطلوبی را که آنان برای خود تصور می‌کردند به ارمغان آورد و این حزب توانست پنج رئیس‌جمهور را برای شش دوره حکومت پی‌درپی در طی مدت 25 سال، از میان اعضای خود برگزیند. از این‌رو باید گفت که آزادی بردگان تنها شعاری بود در راستای اهداف قدرت‌طلبانه حزب جمهوریخواه حاکم. وگرنه دولت‌مردان آمریکا، همگی بدون استثنا، سیاست‌هایشان مبتنی بر تمایلات و گرایش‌ات نژادپرستانه بوده و همواره سیاه‌پوستان و سرخ‌پوستان را به دیده تحقیر و نفرت می‌نگرند. براساس اسناد به دست آمده، حتی خود آبراهام لینکلن نیز از برتری نژادی سفید بر سیاه حمایت کرده و مخالف تساوی آن دو بوده است. (ر.ک: 12 آوریل)